

۱- خودشناسی چه مزایایی دارد و منظور از شناخت انسان چیست؟

از مهمترین مسائل انسان خودشناسی است. آدمی قبل از آنکه به شناخت جهان پیرامون خود و نیک و بد آن بپردازد، باید خود را بشناسد و گنجینه های فطرت و نهاد خود را کشف نماید. در این صورت است که به بزرگ ترین سعادت نایل می شود. اما اگر غفلت بورزد و استعداد های خود را نیابد و شکوفا نسازد و فقط نیاز های مادی و امیال نفسانی و حیوانی خود را برآورده، گرفتار خسران می گردد و از مرتبه انسانیت به حیوانیت تنزل می کند. اما منظور از شناخت انسان در این مبحث، آن است که او دارای استعدادهای و نیروهایی برای فهم خود و جهان و تکامل انسانی است. اگر انسان با تامل و تفکر، امکانات و استعدادهایی که برای رشد و تکامل در او آفریده شده است، بشناسد، بهتر می تواند سرمایه های وجودی خود را به کمال برساند.

۲- ضرورت خود شناسی در انسان را نام برده و یکی را توضیح دهید؟

مقدمه کمال انسانی - پیش درآمد جهان شناسی - مقدمه خدا شناسی - حلال مشکلات انسان

حلال مشکلات انسان : بسیاری از مشکلات روحی و روانی و فکری و اخلاقی انسان ناشی از خودناشناسی است. اگر آدمی، حقیقت واقعی خود، هدف خلقت، رابطه خود با خدا، موقعیت خود در نظام هستی، تأثیر زندگی دنیوی در آخرت، نقش اخلاق نیکو و برخورد مناسب با دیگران، سهم ثروت و در کیفیت زندگی و نقش مصیبت ها و خوشی ها را در زندگی بدانند، بسیاری از مشکلات او حل می گردد و زندگی سعادت آمیزی را برای خود رقم می زند.

۳- در رابطه با حقیقت انسان چند دیدگاه وجود دارد نام برده و به اختصار توضیح دهید؟

مادی - الهی (روح)

مادی : کسانی که هستی را با ماده برابر می دانند یا انسان را پدیده ای کما مادی تلقی می کنند، تمام قوانین حاکم بر حقیقت انسان را مادی می دانند و معتقدند که با قوانین مادی، که مبتنی بر حس و تجربه است، می توان انسان را شناخت و اصولاً تمام تحلیل های آنها در باب انسان، مادی گرایانه است. بر اساس این تحلیل، انسان، با مردن و متلاشی شدن جسمش نابود می گردد.

الهی (روح) : گروهی دیگر علاوه بر بعد مادی انسان، به بعد غیر مادی او نیز اعتقاد دارند، و برای انسان علاوه بر بدن مادی، حقیقتی به نام روح، قائلند. ایان الهی به ویژه دین اسلام با نظر دوم همراهند. محور همه تعالیم ادیان الهی روح آدمی است و اگر به جسم انسان نیز توجه می کنند، به دلیل تاثیر آن در روح است.

۴- روح حقیقت انسان را از نظر قرآن توضیح دهید؟

از دیدگاه قرآن، انسان علاوه بر بدن مادی، از روح الهی بهره مند است و اصولاً حقیقت انسان، روح او است.

۵- اصطلاح تسویه در رابطه با انسان را توضیح دهید ؟

تسویه به معنای خلقت اعضای بدن است که به صورت اعتدال و دور از افراط و تفریط آفریده شود.

۶- ابعاد گرایشی انسان را نام برده و به اختصار توضیح دهید؟

گرایش حیوانی : این گرایش ها میان حیوان و انسان مشترکند. نمونه هایی از آنها عبارتند از : گرایش به حفظ ذات و صیانت از خود و میل به جنس مخالف. این گرایش ها را غریزه هم می گویند.

گرایش های انسانی : گرایش ها و تمایلاتی اند که به انسان اختصاص دارند و یا دست کم نشانه های آنها در حیوانات کم تر مشاهده می گردد. از گرایش های اصیل انسان، میل و محبت به خدا است که از وی جدایی ناپذیر است، به طوری که می توان انسان را موجود متأله یا دین ورز نامید.

۷- انسان و بحران های فرارو را نام برده و یکی را توضیح دهید؟

بحران معرفتی - بحرن اخلاقی - بحران روانی و معنوی

بحران اخلاقی : شک نیست که انسان مدرن با بحران اخلاقی مواجه است. امروزه جهان از رذایل اخلاقی رنج می برد. رذایلی مانند میگساری، شهوترانی، همجنس بازی، آزار و اذیت جنسی کودکان و نوجوانان، تعدی به حقوق دیگران به بهانه حقوق بشر و دمکراسی، استثمار و استعمار ملت های ضعیف، محروم کردن ملت های مستقل از فناوری علمی، برده داری نوین و تزلزل کانون خانواده و نقض شخصیت واقعی زن. در جهان معاصر، معیار و ملاک خوبی و بدی اخلاقی، لذت گرایی و سودگرایی مادی است. دعوت انسان به ارزش ها و فضایل والای انسانی و مبارزه با نفس اماره، بی معنا شده است و رذایل اخلاقی بر اساس این ملاک ها، توجیه اخلاقی پیدا کرده اند.

۸- نقش دین در رفع بحران های انسانی را نام برده و یکی را به اختصار توضیح دهید؟

دین و بحران معرفتی - دین و بحران اخلاقی - دین و بحران روانی

دین و بحران معرفتی : بر اساس آموزه های دینی، راه های شناخت، اعم از حس، عقل، شهود عذفانی و وحی الهی است. آدمی از طریق عقل، ضرورت وحی را اثبات می نماید و وحی الهی، بسیاری از حقایق زندگی انسان را روشن می سازد و آموزه های وحیانی نیز یا هماهنگ با عقل و یا مبتنی بر آنند و به این لحاظ، تمامی آنها عقلانی اند. انسان با کمک دو بال عقل و وحی می تواند به سعادت دنیوی و اخروی نایل گردد.

۹- ایمان را از نظر لغوی و اصطلاحی نام برده و ارکان آن را بنویسید؟

ایمان مصدر باب افعال و از ریشه آمن (امنیت یافتن) است که به معنای جای گیر شدن اعتقاد در قلب، یا تصدیق چیزی با اطمینان و ثوق به چیزی یا کسی است که در هر دو معنا، مفهوم ایمنی در کار است. از معنای لغوی بر می آید که اعتقاد و تصدیق قلبی به چیزی یا کسی، ایمان نام دارد و شخص دارنده ایمان را ((مومن)) می خوانند. هر گاه واژه ایمان در اصطلاح به کار برده شود، معنای خاصی از آن مورد نظر است و آن اعتقاد و تصدیق

قلبی به خدا، روز قیامت، کتب آسمانی، ملائکه و پیامبران و به تعبیری امور غیب است و کسی را که به همه این امور تصدیق و اعتقاد قلبی دارد و در عمل نیز به آنها پای بند است، مومن می گویند.

۱۰ - ایمان و عمل از دیدگاه اسلام را بنویسید؟

از دیدگاه اسلام میان ایمان و عمل ارتباط تنگاتنگی وجود دارد، هر چند از لحاظ مفهوم، متمایزند. در برخی روایات درباره ایمان و عمل آمده است که خداوند یکی را بدون دیگری نمی پذیرد. (جواب کامل صفحه ۴۸)

نتیجه کلی که استاد گفته این : ایمان بدون عمل کامل نیست

۱۱ - راهکار های توانمند سازی ایمان (مومن) را بنویسید و توضیح دهید؟

مومن برای این که ایمان خویش را توانمندتر سازد باید امور ذیل را مراعات کند:

۱. در برابر اوامر و نواهی خداوند تسلیم محض گردد، نه آنکه به برخی احکام ایمان آورد و به برخی دیگر کفر بورزد

۲. به متعلقات ایمان، علم یابد و بر این علم خویش پیوسته بیفزاید و دلایل متقن و روشنی برای آن پیدا کند و اگر با شبهاتی مواجه است، با دلیل روشن، آنها را از میان بردارد

۳. به متعلقات ایمان بیشتر توجه کند و پیوسته به یاد خدا و قیامت باشد

۴. بکوشد تا به لوازم ایمان پای بند باشد. اگر ایمان دارد که خداوند ناظر اعمال و کردار آدمی است، در برابر چنین خدایی، گناه نکند و اگر می داند که در قیامت، به همه کارهای خوب و بد آدمی رسیدگی می شود، پیوسته حساب روز قیامت را به یاد آورد تا نگذارد هوای نفس بر او غلبه کند و فرمان خدا را زیر پا بگذارد.

۱۲ - راه های شناخت وجود خدا را نام ببرید و به اختصار توضیح دهید؟

انسان از راه سیر آفاق، با مشاهده مخلوقات و تدبیر در حدوث (به وجود آمدن) و امکان و نظم پدیده ها به وجود خالق و مدبری دانا و توانا پی می برد. ولی از راه سیر انفس با تامل در خود در میابد که نسبت به خدا شناخت قلبی و بی واسطه دارد و در برابر چنین خدایی که کمال مطلق است سر تعظیم می آورد. راه انفس را ((راه فطرت)) هم می توان نامید.

۱۳ - راه های تذکر و یادآوری فطرت را بنویسید ؟

راه های شکوفایی فطرت عبارت تند از:

یک. هر گاه انسان ها از همه جا قطع امید می کنند، به خدا رو می آورند

دو. توجه به مخلوقات و نظم حاکم بر آنها که از آن به آیات و نشانه ها و مذكرات یاد می شود

۱۴ - راه های شناخت صفات خدا را نام برده و یکی را به اختصار توضیح دهید؟

راه عقل - سیر در آفاق و انفس - قرآن و روایات - کشف و شهود

سیر در آفاق و انفس:

راه دیگر شناخت اوصاف الهی، سیر در آفاق و انفس است. در پرتو این مطالعه، انسان می تواند به برخی اوصاف الهی راه یابد. برای مثال، از مطالعه و بررسی نظم جهان هستی، حیوانات، گیاهان و حتی خود انسان آشکار می گردد که ناظم و خالق هستی براساس سنخیت علت و معلول باید از صفت علم، حکمت و قدرت برخوردار باشد و همچنین از انسجام و وحدت حاکم بر جهان هستی می تواند به وحدت و توحید خالق و ناظم هستی پی ببرد.

۱۵ - معنا و اقسام عدل را نام برده و توضیح دهید؟

اقسام : عدل تکوینی - عدل تشریحی - عدل جزایی

مقصود از عدل، قراردادن هر چیز و هرکس در جای مناسب خود است. امام علی علیه السلام

در روایتی عدل را چنین معنا می فرماید:

الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا.^۲

عدالت، هر چیز را در جای خود می نشاند.

بنابر این معنا، خدا در جهان هر چیز و هرکس را در جای بایسته و شایسته خود

قرار داده است به گونه ای که حق هیچ کس تباه نمی گردد.

۱۶ - عدل تکوینی را توضیح دهید؟

معنای عدل در نظام تکوین یا جهان خلقت آن است که خدا در چنین نظامی به هر موجودی به اندازه شایستگی و قابلیت او نعمت داده است و به تعبیری خدا به اندازه ظرفیت و شایستگی هر شیء به او وجود و کمال افاضه کرده است و اجزای جهان در یک هماهنگی دقیق براساس قوانین ثابت با هم پیوند دارند، به گونه ای که نظم حاکم بر موجودات و کل نظام خلقت، گواه روشنی بر چنین عدلی است. در روایات نیز آمده است که جهان بر عدالت استوار شده است که این معنا به عدالت تکوینی اشاره دارد.^۱

۱۷- عدل شریعی را توضیح دهید؟

عدل تشریحی بدین معناست که تکالیفی که خدا به وسیله پیامبران بر مردم نازل کرده است، بر پایه عدل و دادگری است؛ یعنی اولاً همه احکام لازم برای سعادت انسان را فرو فرستاده است و ثانیاً هیچ انسانی را بیش از توان و ظرفیتش مکلف نساخته است و به تعبیری، توان و قابلیت انسان را در نظر گرفته و به اندازه ظرفیت وجودی اش، احکام را مقرر ساخته است.^۱ قرآن در این باره می فرماید:

لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ.^۲

ما هیچ کس را جز به اندازه توانایی اش تکلیف نمی کنیم و نزد ما کتابی است که به حق سخن می گوید؛ و به آنان هیچ ستمی نمی شود.

۱۸- عدل جزایی را توضیح دهید؟

عدل جزایی، به این معنا است که خدا در روز قیامت میان افراد به عدل داوری می کند و حق کسی را تباه نمی کند؛ یعنی میان افراد نیکوکار و بدکار به یکسان داوری نمی کند و پاداش هرکس را متناسب با اعمال او می دهد. همچنین، عدالت جزایی خدا اقتضا می کند که افرادی که به آنها تکلیفی ابلاغ نشده است، مجازات نشوند. قرآن در این باره می فرماید:

نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً.^۱

ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می کنیم، پس به هیچ کس ستمی نمی شود.

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ.^۲

آیا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند همچون مفسدان در زمین قرار می دهیم، یا پرهیزگاران را همچون فاجران؟! وما كنا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولاً.^۳

ما هرگز [قومی را] مجازات نخواهیم کرد، مگر پیامبری مبعوث کرده باشیم [تا وظایفشان را بیان کند].

البته اگر ثواب و عقاب اخروی را نتیجه تجسم اعمال دنیوی انسان بدانیم و در واقع پاداش و عقاب اخروی چیزی جز ظهور واقعی عمل دنیوی نباشد و همچنین تجسم اعمال در آخرت، از قوانین و سنتهای عالم تکوین باشد، چنین عدلی در زمره عدل تکوینی قرار می گیرد.

۱۹- خیر و شر را تعریف کرده و انواع آن را نام ببرید؟

(توضیح خود استاد) : هر آنچه که به انسان ضرر برساند شر است

به طور کلی شر را به دو قسم تقسیم می کنند: شر اخلاقی و شر طبیعی.^۱ گاه شر نتیجه عامل انسانی است که به آن شر اخلاقی می گویند؛ مانند دزدی، قتل، غارت و جنگ. گاهی دیگر شر بدون مداخله عامل انسانی پدید می آید که به آن شر طبیعی می گویند؛ مانند زلزله، آتشفشان، سیل، طوفان و طاعون.^۲

۲۰- رازها و فواید شرور های جهان را بنویسید و توضیح دهید؟

۱. شرور، لازمه ذاتی عالم ماده :

تزام و تضاد از ویژگی های ذاتی عالم ماده است. اگر این ویژگی ها نبود، چیزی به نام عالم مادی وجود نداشت. یا باید این ویژگی ها همراه عالم ماده باشد و یا اصلاً چنین عالمی موجود نباشد. از طرفی دیگر حکمت و لطف خدا اینجاب می کند که عالم مادی خلق شود، زیرا خیر آن بیشتر از نقص و شر آن است، و ترک خیر کثیر به سبب شر قلیل، خلاف حکمت و لطف الهی است.

۲. شرور، علت شکوفا شدن استعداد ها:

ساختار آدمی به گونه ای است که بسیاری از تواناییها و استعدادهای او در سایه مواجهه با سختیها و مشکلات، شکوفا می شود. بسیار از اختراعات و ابتکارات، در برخورد با مشکلات و سختیها، حاصل می شوند. بنابراین، وجود شر برای تکامل روحی و معنوی و علمی انسان سودمند است. قرآن در این باره می فرماید:

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا * إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا.^۱

پس با دشواری، آسانی است. آری با دشواری آسانی است.

امام علی علیه السلام در این باره می فرماید:

بدانید که شاخه درختی که در بیابان می روید، سخت تر و پوست سبزه های خوش نما نازک تر و آتش گیاهان صحرائی افروخته تر و خاموشی آنها دیرتر است.^۲

بدین سان، سختی و مشکلات، سبب استقامت و پایداری و آسانی اند و به تعبیری، وجود بدیها و زشتیها، در پدید آمدن مجموعه زیبای جهان، ضروری است. حتی زیباییها، جلوه خود را از زشتیها برمی گیرند. اگر زشتی و بدی نبود، زیبایی و خوبی مفهوم نداشت.

۳. شر، عالمی برای بیداری از غفلت:

از فواید شرور و سختیها آن است که آدمی را از خواب غفلت بیدار می کنند. راننده‌ای را در نظر بگیرید که بر اثر غفلت، به قوانین راهنمایی و رانندگی بی‌اعتناست. اگر او همچنان غافل بماند، موجب نابودی خود و دیگران می‌شود. چون پلیس، به عنوان هشدار، او را جریمه کند و از ادامه مسیر باز دارد، این سختی و ناراحتی به نفع اوست و باعث بیداری و هوشیاری‌اش می‌شود تا از پیامدهای ناگوار دور بماند. خداوند نیز در قرآن کریم از سختیها و مشکلات به عنوان عاملی برای بیداری از غفلت یاد می‌کند:

وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ^۳

و قطعاً غیر از عذاب بزرگتر [عذاب آخرت] از عذاب نزدیکتر [عذاب دنیا] به آنان می‌چشانیم، امید آنکه [به سوی خدا] باز گردند.

بنابراین، شر عاملی برای عبرت‌آموزی است تا شاید پند گیرند و به راه راست ۴. شرور، هدیه ای به بندگان خاص:

بنابر برخی روایات، هنگامی که خدا به بنده ای لطف ویژه ای دارد، او را گرفتار سختی می‌کند. بنابراین، بلا و مصیبت برای دوستان و بندگان خاص خدا، لطفی است که به صورت مصیبت، جلوه می‌نماید.

۵. شرور، آزمون الهی:

گاه خداوند، بندگان را با مصیبت و سختی می‌آزماید تا مؤمنان راستین باز شناخته گردند؛ درست همانگونه که آد미ان، طلای ناخالص را با حرارت، ناب می‌کنند و زیبایی و بهایی بیشتر به آن می‌بخشند. همچنین خداوند برخی بندگان را در کوران رنج و مصیبت و مشکلات، محک می‌زند تا خالص و ارزشمندتر گردند. در قرآن مجید آمده‌است:

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ * وَ لَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ لَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ^۱

۲۱- مراتب توحید را نام برده و یکی را به اختصار توضیح دهید؟

۱. توحید در ذات ۲. توحید در صفات ۳. توحید در خالقیت ۴. توحید در ربوبیت ۵. توحید در حاکمیت ۶. توحید در اطاعات ۷. توحید در تقنین و تشریح (مهمتر هست) ۸. توحید در عبادت و پرستش

توحید در تقنین و تشریح :

توحید در تشریح به این معنا است که قانون گذاری و تشریح فقط ویژه خدا است، زیرا کسی که می تواند زمام امور زندگی بندگان خدا را بدست گیرد، جز خدا نیست. انسان خواهان زندگی اجتماعی است و هر اجتماعی نیازمند قانون است.

۲۲- دلیل توسل به اولیای الهی چیست؟

با توجه به معنای عبادت، بی گمان توسل و تعلق به غیر خدا هنگامی شرک محسوب می شود که ما برای آن ها در اثر بخشی بدون اذن خدا اصالت و استقبال قائل شویم، ولی اگر آنها را وسایلی بدانیم که به مشیت و اذن الهی اثر بخشی دارند و ما را به نتیجه مطلوب می رسانند، از مسیر توحید خارج نشده ایم.

۲۳- دلیل بزرگداشت انبیا و اولیای الهی چیست؟

برخی فقره های مسلمانان بزرگداشت پیامبر و اهل بین آن حضرت را شرک می پندارند، اما از این نکته غافلند که هر ک انبیا و اولیای الهی را تکریم می کند، برای آنان شان خدایی قائل نیست و تنها چون مورد عنایت خداوندند، آنان را تکریم می کند و چنین عملی شرک نیست، بلکه عین توحید است.

۲۴- دلیل تبرک جستن به آثار الهی چیست؟

برخی برآنند که تبرک جستن به آثار اولیای الهی شرک است و از این رو کسی را که محراب و منبر پیامبر را می بوسد و از آنها تبرک می جوید، مشرک می خوانند. با توجه به معنای توحید و شرک مشخص می گردد کسانی که به آثار تبرک می جویند، برای پیامبر و آثارش الوهیت قائل نیستند، بلکه تکریم و مهر به پیامبر سبب می شود تا آثار منسوب به او را ببوسند، پیامبری که افتخار او این است که عبد و بنده صالح خدا است و پیام خدا را به انسان ها ابلاغ کرده و در این راه سختی های فراوانی را به جان خریده است.

۲۵- نماز را تعریف کرده و اهمیت آن را بنویسید؟

در پایان بحثهای مربوط به توحید در عبادت، شایسته است فصلی نیز درباره نماز و بهترین جلوه توحید عملی سخن گوئیم. نماز، بهترین تجلی عبادت خداست؛ وسیله‌ای است که می‌تواند بندگی خدا را تجلی بخشد. نماز غایت آفرینش آدمی است. هیچ‌یک از اعمال عبادی به اندازه نماز از چنین ظرفیتی برخوردار نیست. نماز عبادتی جامع است و می‌تواند تمام وجود انسان را اعم از جهات بدنی و ظاهری و جهات ذهنی و قلبی و باطنی، در خدمت خدا قرار دهد و به این سبب است که پس از معرفت خدا، بهترین عمل دانسته شده است.

۲۶- مهمترین اسرار نماز را نام برده و توضیح دهید؟ (جواب کامل صفحه ۱۵۹ تا ۱۶۴)

تجلی یاد خدا - تجلی وحدت - عامل رفع فاصله طبقاتی - مایه پرهیزگاری - اطاعت پذیری - مایه پاکیزگی - تجلی اخلاص - مایه شادابی و نشاط - مایه انضباط و وقت شناسی

عامل رفع فاصله ها :

نماز، عامل برانداختن فاصله طبقاتی است که در جامعه مادی گرا پدید می‌آید. هنگامی که مسلمانان به نماز می‌ایستند، کمترین اختلافی میان صاحب‌منصبان و مردم عادی و غنی و فقیر نیست. همه طبقات، موظفند این فریضه را در ساعاتی خاص ادا کنند و چون نماز به جماعت برگزار می‌شود، جلوه‌ای روشن‌تر به خود می‌گیرد و سیمای مساوات و برابری از صفوف به هم فشرده نمازگزاران هویدا می‌گردد. مردم از هر صنف و طبقه‌ای بدون تبعیض کنار هم می‌ایستند تا ندای عبودیت و بندگی را با تمام وجود سر دهند. کسانی که ادب بندگی خدا را همصدا ارج می‌نهند، با تمام وجود احساس می‌کنند که مقام و ثروت و سلامت و استعدادهاى برجسته، موهبت خدا است که برای آزمایش بندگی به آنها سپرده است و مایه تفاخر و تبعیض طبقاتی نیست.

۲۷- معنای لغوی معاد را نوشته و اهمیت آن را شرح داده و دلیل علاقه مندی انسان به آن چیست؟

از نظر لغوی به معنای بازگشتین است و در اصطلاح به معنای دوباره زنده شدن آدمی پس از مرگ است. انسان ذاتاً علم دوست و حقیقت جو است، به ویژه درباره آنچه بازندگی او ارتباط دارد و معاد از این گونه موضوعات است. انسان می خواهد بداند که آیا زندگی اش بامرگپایان می یابد یا پس از آن زندگی دیگری خواهد داشت؟ کیفیت انتقال از این زندگی به آن زندگی چگونه است؟ زندگی آن دنیا چند مرحله ای است؟ آیا لوازم و وسایل مورد نیاز آن دنیا را باید در همان جا تهیه نمود یا اینگه زندگیا این جهان، مقدمه و زمینه ساز خوشی ها و ناخوشی های آن جهان است و به تعبیری این دنیا مزرعه آخرت است؟ پاسخ به این پرسش ها است که می تواند عطش حقیقت جویی آدمی را تا حدی فرو نشانند. دوم شناخت غایت و هدف زندگی برای انسان از اهمیت زیادی برخوردار است زیرا در شکل گیری فعالیت ها و اعمال انسان نقش مهمی دارد.

۲۸- فرق انسان هایی که به معاد اعتقاد دارند و آن هایی که ندارند در چیست؟

انسانی که مرگ را پایان زندگی خود می داند، رفتار خود را به گونه ای تنظیم می کند که به هر طریق ممکن نهایت لذت را در این دنیا ببرد و تنها نیاز ها و خواسته های زندگی دنیوی خود را تامین میکند. اما کسی که به زندگی جاودانه اعتقاد دارد، برنامه زندگی خود را به گونه ای سامان می بخشد که هر چه بیشتر برای زندگی جاودانه اش سودمند باشد و از سوی دیگر سختی ها و ناکامی های زندگی دنیا، او را دلسرد و ناامید نمی کند و پیوسته در راه کسب سعادت و کمال ابدی می کوشد.

۲۹- نمونه های مشابه معاد در این دنیا را نام بده و یکی را به اختیار توضیح دهید؟

الف) ابراهیم و احمیای مردگان:

مفسران اسلامی نقل می کنند که ابراهیم (ع) از کنار دریایی می گذشت. مردی را دید که کنار دریا افتاده، قسمتی از بدنش در آب و قسمتی دیگر بیرون است و حیوانات دریایی و خشکی از دو طرف، هجوم آورده، او را می خورند و اجزای بدنش را هم پاشیده اند. دیدن این صحنه، او را به تفکر در معاد واداشت که چگونه بار دیگر زنده می شود، از خدا درخواست کرد تا کیفیت زنده شدن مردگان را پس از متلاشی شدن اجزای آنها، برای او نمایاند. شکی نیست که حضرت ابراهیم (ع) از طریق عقل و وحی به معاد آگاه بود و به آن ایمان داشت؛ ولی برای یقین بیشتر و اطمینان قلبی چنین درخواستی را مطرح نمود.

ب) زنده شدن عزیر:

ج) اصحاب کهف:

د) زنده شدن مردگان به دست عیسی (ع):

آیات قرآن به روشنی دلالت دارند که حضرت عیسی (ع) مردگان را به اذن خدا زنده می کرده و نابینایان را شفامی بخشیده است. قرآن میفرماید: هنگامی راکه خداوند به عیسی بن مریم گفت: یادکن نعمتی راکه به تو و مادرت

بخشیدم؛ زمانی که تورابه روح القدس بقویت کردم که درگاهواره وهنگام بزرگی بامردم سخن میگفتی وهنگامی که کتاب وحکمت وتورات وانجیل رابه توآموختم وهنگامی که به فرمان من از گل چیزی به صورت پرنده می ساختی ودر آن می دمیدی وبه فرمان من پرنده ای می شدوکورمادرزاد ومبتلابه بیماری پیسی رابه اذن من ، شفا می دادی ومردگان رانیز به فرمان من زنده می کردی

(ر) رویش گیاهان :

۳۰- انواع معاد را نام ببرید و توضیح دهید؟

تا کنون به اثبات رسید که انسان از دو ساحت مادی و غیر مادی تشکیل شده است و روح غیر مادی، که حقیقت و شخصیت راستین انسان را تشکیل می دهد، با مرگ از بین نمی رود و ملائکه الهی، این حقیقت روحانی را از انسان می ستانند. پس، روح باقی است. اگر روح باقی نباشد، معاد معنا نمی یابد. حال سوال این است که زندگی پس از مرگ چگونه است؟ آیا معاد، روحانی است یا هم جسمانی و خم روحانی؟ قبل از آنکه به پاسخ این مسئله بپردازیم، لازم است معنای جسمانی و روحانی بودن معاد را روشن سازیم.

اول. برخی اعتقاد دارند که بعد از مرگ و حتی در قیامت فقط روح مجرد وحشور می گردد و دیگر، بدنی که روح به آن تعلق داشته، به محشر گام نمی نهد. به این معنا، معاد را ((روحانی)) می گویند. برخی دیگر برآنند که علاوه بر باقی ماندن روح مجرد، بدن مادی نیز بار دیگر به آن تعلق می پذیرد و هر دو موضوع پاداش ها و کیفرها قرار می گیرند. به این معنا، معاد را ((جسمانی و روحانی)) میگویند. اما این که تنها بدن مادی در قیامت محشور شود، باتوجه به پذیرش روح غیر مادی، که حقیقت آدمی به آن است، قابل تصور نیست.

دوم. گاه منظور از جسمانی و روحانی بودن، آن است که بدن یا روح به تنهایی و یا هر دو متعلق پاداش و کیفر قرار گیرند. از این رو، معاد جسمانی، به این معنا است که تا بدنی در میان نباشد، پاداش و کیفر تحقق نمی پذیرد؛ مانند خوشی که از طریق بدن حاصل می شود. این نوع معاد را ((جسمانی)) می گویند؛ ولی اگر علاوه بر چنین لذت ها و آلامی جسمانی، یک رشته پاداش ها و کیفرها و لذت ها و آلام روحی و عقلی نیز وجود دارد که نفس در ادراک آن ها هرگز به بدن و قوای حسی نیازمند نیست، به آن((معاد روحانی)) گویند.

۳۱- معنای مرگ را نوشته و انواع آن را به اختیار توضیح دهید؟

((مرگ)) در زبان فارسی مترادف با واژه ((موت)) در زبان عربی است. موت به معنای از دست رفتن قدرت و توان چیزی است. گاه مرگ را برای بدن به کار می برند و گاه برای روح.

هنگامی که آن را برای بدن به کار می برند، مقصود این است که بدن هر نوع حرکت و جنبش را از دست داده است؛ در حالی که اگر مرگ را به روح نسبت دهند، مراد این است که روح، ابزار جسمانی خود را از دست داده و در واقع نیستی در کار نیست و انتقال از مرحله ای به مرحله دیگری از زندگی است. بنابراین، کاربرد کلمه مرگ برای انسان به معنای آن است که بدن او قابلیت ابزار بودن خود را برای روح از دست داده است و آنها از هم جدا شده اند.

۳۲- وحشت از مرگ را توضیح داده و انواع آن را به اختصار توضیح دهید؟ طبیعی و غیر طبیعی

بسیاری از انسانها چون به معاد ایمان ندارند و از حقیقت مرگ بی خبرند، یا از کیفر گناهان خویش بیم دارند و ... از مرگ می هراسند. گروهی مرگ را پایان زندگی می دانند و با مرگ همه هستی آنها نابود می شود. بنابراین، از نیستی هراس دارند؛ ولی کسانی که به معاد یقین دارند و مرگ را مرحله جدیدی از زندگی می دانند، از آن هراسی به دل راه نمی دهند.

البته گونه ای نگرانی از مرگ را می توان در همه مشاهده کرد؛ زیرا گسستن از عزیزان، مانند همسر، پدر، مادر، فرزندان و دوستان، بدون رنج نخواهد بود. این نوع نگرانی، امری طبیعی است و در همه افراد بشر در لحظه مرگ وجود دارد.

۳۳- انواع مرگ ها در قرآن را نام برده و یکی را توضیح دهید؟

مرگ دشوار و آسان - مرگ تن و قلب - مرگ فرد و جامعه - مرگ افتخار آمیز

مرگ تن و قلب :

از دیدگاه قرآن مرگ هم عارض تن می شود و هم عارض قلب. آنگاه که رابطه روح با بدن گسسته گردد، مرگ تن پیش می آید؛ ولی هنگامی که انسان از نظر تفکر و تعقل، در درجه ای بسیار پایین جای گیرد و برای سخنان حق گوش شنوا نداشته باشند، قلب او می میرد.

۳۴- توبه در حال مرگ مورد قبول خدا هست یا نه ؟ چرا؟

خیر نمی باشد. از دیدگاه قرآن، هنگام مرگ، حجاب های مادی از دیدگان برداشته می شود و آدمی می تواند از سرنوشت خود در سرای دیگر آگاه گردد. از این رو است که نیکوکاران به استقبال مرگ می روند؛ در حالی که گناهکاران سخت پشیمان می شوند و می خواهند توبه کنند. بنابر آیات قرآن، توبه و ایمان در لحظه مرگ قبول نمی باشد؛ زیرا توبه و ندامت، در صورتی که مایه کمال روح است که فرد نادم، به انجام کناه قادر باشد؛ ولی آن گاه که قدرت و توان از او سلب گردیده و جز یک راه پیش روی ندارد، ندامت، حاکی از دگرگونی روحی نیست. و این نوع ندامت و توبه، با ندامت ها و توبه های پیش از لحظات مرگ، اختلاف ماهوی دارد.

۳۵- قبر و عالم برزخ را توضیح دهید؟

اگر لحظه مرگ را نخستین منزل انسان پس از دنیا بدانیم، باید نزول در قبر را منزل دوم بشماریم. البته قبر یک معنای ظاهری دارد که همان گودالی است که جسد انسان در آن دفن می شود و یک معنای واقعی که همان برزخ است. از این رو، دومین منزل انسان از نظر قرآن، برزخ است که گاهی از آن به عالم قبر و گاهی از آن به جهان برزخ یاد می کند. برزخ، چیزی است که میان دو شی حایل شود و از این رو جهانی که میان دنیا و آخرت است، برزخ می گویند. امام صادق (ع) جهان برزخ را فاصله میان مردن تا قیامت خوانده است. آدمی از هنگام مرگ وارد جهان برزخ می گردد خواه او در زمین دفن کنند یا وی را با آتش بسوزانند یا غذای درندگان شود یا در دریا غرق گردد. در این عالم، انسان با بدن برزخی به حیات خود ادامه می دهد و کم و بیش متناسب با اعمال خود لذت و خوشی و رنج و عذاب خواهد داشت. در عالم برزخ دو فرشته به نام های نکیر و منکر از انسان بازخواست می کنند.

۳۶- شاهدان بیرون از وجود انسان را نام برده و یکی را توضیح دهید؟

۱. خدا

نخستین شاهد اعمال انسان، خدا است که بر همه اعمال نمان و آشکار او آگاه است.

۲. پیامبران الهی

قرآن، به روشنی یادآور می شود که روز قیامت فردی از هر امت بر اعمال مردم خویش گواهی می دهد و این فرد، پیامبر آن امت است.

۳. پیامبر اسلام

یکی دیگر از گواهان روز قیامت، پیامبر اسلام است، و همچنین برخی از برگزیدگان امت اسلامی نیز از شاهدان روز قیامت می باشند، در روایات اسلامی آمده است که مراد از این بزرگان، بزرگان معصوم است.

۴. فرشتگان

شاهد دیگر، فرشتگانند که در دنیا ناظر اعمال مرمند و در قیامت با آنان وارد دادگاه الهی می شوند. یکی از فرشتگان، کنهکار را به سوی دادگاه می آورد و دیگری گواه بر اعمال او است

۵. زمین

زمین یا مکان انجام عمل نیز از گواهان روز قیامت است. هر عمل نیک و بدی که بر آن انجام شود، خود ضبط می کند و روز قیامت به فرمان خدا آن را باز می گوید.

۶. زمان

زمان نیز حوادث را در خود ثبت می کند و در روز قیامت به فرمان خدا باز می گوید.

۷. قرآن

از برخی روایات می توان دریافت که قرآن در روز رستاخیز به صورت انسانی مجسم می شود و خدا به او خطاب می کند؛ مرا چگونه دیدی؟ و در پاسخ می گوید: پروردگارا! گروهی از آنان مرا حفظ کردند و چیزی را از من تباه نکردند و برخی مرا تباه کردند. حق مرا سبک شمردند و به تکذیب من برخاستند، و من حجت تو بر همه مردم ام. در این هنگام خطاب می آید؛ به عزت و جلالم سوگند به خاطر تو گروه نخست را بهترین پاداش می دهم و گروه دوم را به عذاب دردناک دچار می کنم.

۸. نامه اعمال

از گواهان روز قیامت نامه اعمال است که در آن خوبی ها و بدی ها ثبت شده است. بنابراین همه اعمال در نامه ثبت می شود و در قیامت این نامه به گردن آدمی آویخته می شود.

۳۷- شاهدان درون وجو انسان را نام برده و یکی را به اختصار توضیح دهید؟

مقصود از شاهدان درونی، گواهانی است که جزء بدن انسانند و یا به گونه ای با او مرتبط اند که عبارتند از :

۱- اعضای بدن

از شگفتی های رستاخیز، این است که اعضای بدن مجرم بر گناهان او گواهی می دهند و دیگر جای هیچ بهانه و شک و تردیدی برای او نمی ماند.

۲- پوست بدن

یکی از گواهان روز قیامت پوست بدن است که در هر کاری، نقش دارد حتی عامتر از اعضای دیگر بدن است. هر عمل زشتی که گنکاران در دنیا انجام می دهند، در پوست بدن ثبت می شود و در قیامت به فرمان خدا همه را باز می گوید.

۳۹- راه رسیدن به بهشت را نام برده و یکی را توضیح دهید؟

۱. ایمان و عمل صالح

ایمان و عمل صالح از اعمالی است که آدمی را به بهشت راه می نماید.

۲. تقوا

تقوا عبارت است از آنچه انسان را از گناه حفظ می کند و موجب می شود که او به واجبات و مستحبات اهتمام بیشتری نشان دهد.

۳. پیروی از خدا و رسول



هر کس از اوامر و نواهی خدا و رسولش پیروی کند، خدا او را به بهشت در می آورد و هر کس خدا و رسولش را نافرمانی کند، خدا او را به جهنم می برد.

۴. راستی و راستگویی

قرآن اوصافی برای راستگویان و همچنین پرهیزکاران و نیکوکاران بر می شمرد. می توان اوصاف مشترک راستگوبان و پرهیزکاران و نیکوکاران را چنین یاد کرد:

ایمان به خدا، معاد، فرشتگان، کتاب های آسمانی، و پیامبران الهی و نیز انفاق به خویشاوندان، یتیمان، بینوایان، در راه ماندگان و مستمندان آبرومند، برپاداشتن نماز، پرداخت زکات، وفا به عهد و پیمان و بردباری در سختی و دشواری.

۵. احسان و نیکوکاری

خداوند نیکوکاران را به بهشت می برد؛ اما نیکی، عملی است که رضایت خداوند را فراهم می آورد. نیکی را یا خداوند به قلب و وجدان انسان الهام کرده و یا به پیامبرش نشان داده است.

۶. صبر و بردباری در راه خدا

آنان که در راه خدا صبر پیشه می کنند، گروهی جدا از پرهیزکاران و نیکوکاران نیستند، و اینکه صبر به صورت جدا در آیات و روایات ستوده شده، به دلیل اهمیت فراوان آن است. بلکه اهمیت آنان به جهت صبر و پایداریشان در برابر خداست.

۷. اهتمام به نماز

آنان که هیچ گاه نماز را ترک نمی کنند و در ادای آن، وقت و شرایط لازم را ارج می نهند و به روح و حقیقت آن پی برده اند و هیچ چیز را بر این فرضیه الهی ترجیح نمی دهند، در قرآن ستوده شده اند و جایگاه ابدی آنان بهشت است

۸. انفاق در راه خدا

انفاق در راه خدا جایگاه والایی در میان اعمال پسندیده دارد. انفاق فقط در امور مادی و مالی پسندیده نیست؛ بلکه بهترین انفاق در راه خدا، انفاق علم و دانش و احکام و معارف دین است.

۹. هجرت و جهاد

از اعمال ارزشمند دیگر که بهشت را برای مؤمن به ارمغان می آورد، هجرت و جهاد در راه خدا است. کسانی که برای ترویج دین و دفاع از آن به هجرت و جهاد روی می آوردند، نزد خداوند، پاداش ارزشمندی دارند.

۱۰. شهادت در راه خدا



کسی که از جان خویش که عزیز ترین سرمایه او است در راه خدا می گذرد نزد خداوند، مقام بس والایی دارد. خداوند به صراحت فرموده است که شهید را پیش خود جای می دهد و به او روزی می دهد. در بهشت هیچ پاداشی همانند مقام ((عندیت)) یا ((قرب)) ارزشمند نیست.